

دکتر دنیل کی. دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۳ سرود مسیح، کولسیان ۱:۱۵-۲:۵

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر دن دارکو در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان است. این جلسه سوم، سرود مسیح در کولسیان ۱:۱۵-۲:۵ است.

به مجموعه سخنرانی‌های مطالعات کتاب مقدس در مورد رساله‌های زندان خوش آمدید. تاکنون، ما به معرفی کلی رساله‌های زندان پرداخته‌ایم، چرا این نامه‌ها را رساله‌های زندان می‌نامیم، و به پیش زمینه کلی نامه نگاه کرده‌ایم و ثابت کرده‌ایم که این نامه خطاب به مسیحیان کولسی بوده است و همچنین به برخی از گرایش‌های تلفیقی در کلیسا پرداخته‌ایم.

در سخنرانی قبلی، به نحوه معرفی نامه توسط پولس و شکرگزاری و دعایی که برای کلیسا طلب می‌کند پرداختیم. توجه شما را در پایان آن سخنرانی جلب کردم. یکی از نکات مهمی که پولس برجسته می‌کند، دلیلی است که ما باید برای آن شکرگزاری کنیم یا سرشار از قدردانی باشیم.

او در واقع در آیه ۱۳ اشاره می‌کند که ما را از قلمرو تاریکی رهایی بخشید و به پادشاهی پسر محبوبش منتقل کرد، که در اوست که ما رستگاری و بخشش داریم. همانطور که به مرحله بعدی سرود مسیح می‌رویم می‌خواهم دو کلمه کلیدی در این انتقال را به شما یادآوری کنم: رستگاری.

او ما را از فساد نجات داد. من اغلب رستگاری را از زبان یونانی به این معنا توضیح داده‌ام. یک حلقه ازدواج گرانبها را تصور کنید که درخشان و براق بود و به قیمت 20,000 دلار فروخته می‌شد، گم شد، در این زباله‌دانی انداخته شد، زنگ زد و کثیف شد.

کسی این را کشف می‌کند و می‌پرسد که این حلقه به چه دردی می‌خورد. فرآیند رستگاری، بازگرداندن آن حلقه به زیبایی و کیفیت حالت اولیه‌اش است. در این انتقال، او ما را از حالت فسادپذیر، زنگ‌زده، که توسط انواع چیزهای دنیا در دنیای تاریکی شکل گرفته بود، رهایی بخشید. و حدس بزنید چه کرد؟ وقتی ما را در انتهای آیه ۱۲ منتقل کرد، ما را به نور آورد.

حالا می‌توانیم ببینیم. آدم‌های زنگ‌زده در تاریکی بازی می‌کنند. شاید قایم‌باشک بازی می‌کنند.

اکنون در نور. او ما را رهایی بخشید. و به خاطر این رهایی، بله، می‌توانیم بنشینیم و خدا را شکر کنیم.

او ما را بخشید. ما گناهکار بودیم. در جریان این انتقال، بخشی از معامله‌ای که باید انجام شود، مربوط به شخصی است که واقعاً بدهکار است، گناه کرده و رابطه‌اش را با خدا قطع کرده است. سپس، حدس بزنید خدا چه می‌کند؟ در پادشاهی محبوبش، او بخشید.

او بدهی ما را بخشید. می‌دانی، من یک آهنگ یاد گرفتم. دقیقاً یادم نمی‌آید در کدام مرحله از مدرسه، در مدرسه ابتدایی، آهنگی را یاد گرفتم که بعداً فهمیدم بعضی‌ها در آمریکا آن را بلدند.

او گفت که بدهی‌ای را که نداشت، پرداخت کرده است. من بدهی دارم و نمی‌توانم آن را بپردازم. به کسی نیاز داشتم که گناهانم را بشوید.

و اکنون سرودی کاملاً جدید می‌خوانم، فیض شگفت‌انگیز. عیسی مسیح بدهی‌ای را پرداخت کرد که من هرگز نمی‌توانستم آن را بپردازم. در این انتقال، او آن زنگار گرفته و کثیف را به حالت درخشان اولیه‌اش بازگرداند تا بتواند ما را در جایگاه نور قرار دهد تا با تمام شکوه دیده شویم.

و او تمام بدهی‌های ما را بخشید تا بتوانیم بخشی از پادشاهی پسر محبوبش باشیم. به همین دلیل است که ما باید چیزی در مورد پسر محبوبش بدانیم. و پولس در این آیه چیزی را می‌نویسد که ما آن را سرود مسیح می‌نامیم.

او مسیح است. او صورت خدای نادیده و نخست‌زاده‌ی تمامی آفرینش است. زیرا به وسیله‌ی او همه چیز در آسمان و زمین، دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها، چه تخت‌ها و چه فرمانروایی‌ها، چه فرمانروایان و چه اولیای امور آفریده شد. همه چیز به وسیله‌ی او و برای او آفریده شد.

و او پیش از همه چیز است، و همه چیز در او به هم پیوند می‌خورد. او سر بدن، یعنی کلیسا، است. او آغاز است، نخست‌زاده از مردگان، و در همه چیز، او می‌تواند برتر باشد.

زیرا خشنودی خدا این بود که تمام کمال او در او ساکن شود، و به وسیله او همه چیز را، چه بر زمین و چه در آسمان، با خود آشتی دهد، و صلح برقرار کند، نه اینکه به صلح دست یابد، بلکه صلح را به وسیله خون صلیب او برقرار کند. و شما، آیه ۲۱، که زمانی با نیت انجام اعمال بد، بیگانه و دشمن بودید، او خواهد گفت که او در مسیح تغییر ایجاد کرد. بنابراین، به برخی از نکات کلیدی در مورد او توجه کنید.

در مسیح عیسی، کسی که رستگاری و بخشش را آورد، همانطور که قبلاً اشاره کردم، تصویر خداست. او نه تنها تصویر خداست. در او، همه چیز آفریده شد.

او کمال خداست. بنابراین، بیایید در مورد اینکه مسیح کیست، هیچ شکی نداشته باشیم. کمال خدا در مسیح یافت می‌شود، و مسیح خداست.

او وسیله‌ی آشتی است. وای! و بعد، کاملاً بحث‌برانگیز، او نخست‌زاده‌ی آفرینش است. پولس این نکته را مطرح می‌کند و این سرود مسیح را مطرح می‌کند تا توجه ما را به این واقعیت جلب کند که این کسی است که آمده تا این امر را برای ما ممکن سازد.

کسانی که در آن زمان در وضعیت خوبی نبودند، و هیچ چیز قابل تحسینی نداشتند، اکنون از طریق او به مکانی منتقل شده‌اند که می‌توانیم آن مکان را به عنوان مکانی نورانی بشناسیم. می‌توانیم آن مکان را به عنوان پادشاهی پسر محبوبش بشناسیم. در مسیح، که نخست‌زاده‌ی آفرینش است، مسیح نیز نخست‌زاده‌ی مردگان است.

باید اینجا مکث کنم و کمی به عقب برگردم تا توجه شما را به این واقعیت جلب کنم که آیه ۱۵ در تاریخ کلیسا بسیار بحث‌برانگیز بوده است. و در آن آمده است که او تصویر خدای نادیده، نخست‌زاده تمام آفرینش است. واعظی بسیار محبوب در اسکندریه بود.

این واعظ محبوب، آریوس، با انواع و اقسام مسائلی روبرو بود که در واقع کلیسا را به تصمیمات قابل توجهی تبدیل می‌کرد. آریوس کسی بود که یکی از آموزه‌های خود را در کولسیان فصل ۱ آیه ۱۵ تدریس کرد و در واقع آن را پایه‌گذاری کرد، به ویژه این آیه که می‌گوید این آیه در واقع تعلیم می‌دهد که عیسی خدا نیست. آریوس در اینجا چند نکته را مطرح می‌کند.

می‌دانید، او می‌گفت مسیح در واقع خدا نبود. مسیح و روح آفریده شدند. پدر آنها را آفرید.

بر این اساس است که از او به عنوان نخست‌زاده‌ی آفرینش یاد می‌شود. آریوس، برای او، آیه‌ی ۱۵ از متنی که به آن نگاه می‌کنیم، واضح است. وقتی کتاب مقدس می‌گوید که او تصویر خدای نادیده، نخست‌زاده‌ی تمام آفرینش است، فقط به این معنی است که مسیح چنین نبوده است.

او فقط زمانی به وجود آمد که خدا او را آفرید. بنابراین، او اولین کسی بود که توسط خدا آفریده شد، نه آدم. آریوس جنجال‌های زیادی را برانگیخت و کلیسا با آنچه آریوس می‌گفت، به مبارزه پرداخت.

ما یک جلسه کامل شورا داریم تا در مورد اینکه با این جنجال آریوس چه باید بکنیم بحث کنیم. ضمناً، او از اصطلاحات دیگری استفاده می‌کند، اما یکی از اصطلاحات کلیدی او از کولسیان است. بعداً، همانطور که این چارچوب الهیاتی را توسعه می‌دهد، حتی برخی از آیات مورد علاقه شما را نیز می‌آورد.

خدا آنقدر جهان را دوست داشت که پسر یگانه خود را داد. می‌دانید چیست؟ او پسر یگانه خود را داد. تنها پسری که او واقعاً به دنیا آورد، نخست‌زاده آفرینش است.

کولسیان ۱:۱۵ مضمون اصلی نوشته‌ی جان تریسی است؛ او آنها را با هم پیوند می‌دهد و یک آموزه ایجاد می‌کند. پس چه اتفاقی می‌افتد؟ آموزه‌ی تثلیث به دلیل نحوه‌ی خوانش کولسیان آسیب می‌بیند. بنابراین عبارت «نخست‌زاده» در کولسیان به چه معناست؟ «نخست‌زاده‌ی خلقت»، آیا به موجودی مخلوق اشاره دارد یا چیزی که بر خلقت تقدم دارد؟ آیا مرجع یا زبان نخست‌زاده در واقع به این معنی است که مسیح در واقع کسی است که نقش برجسته‌ای دارد و سعی می‌کند زبان من را وادار کند تا این کلمات انگلیسی را به خوبی بر خلقت تلفظ کنم؟ یا به معنای واقعی کلمه به کسی گفته می‌شود که ابتدا متولد شد و سپس بقیه از او پیروی می‌کنند.

شاید بخواهید بپرسید، در مورد نخست‌زاده‌ی مردگان در این متن چگونه؟ معنی آن چیست؟ من فکر می‌کنم، و در سال‌های اخیر متوجه شدم، جیمز دان، استادی که قبلاً در این مجموعه سخنرانی‌ها به او اشاره کردم که استاد دانشگاه دورهام و استاد دانشگاه لایت‌فوت در دانشگاه دورهام انگلستان بود، این موضوع خاص را در تفسیر خود به خوبی بررسی می‌کند. دان می‌نویسد که این موضوع، هم صحبت‌های پولس رسول در مورد رستاخیز مسیح را تکرار می‌کند و به نخست‌زاده‌ی مردگان به عنوان موجودی موقت قبل از رستاخیز همه در مسیح، به ترتیب اول، نوبرانه‌ها، اشاره می‌کند و هم از مسیح به عنوان، با استفاده از کلمه یونانی برای نخست‌زاده، در میان بسیاری از برادران، بزرگترین در خانواده‌ای که مقدر شده تصویر کهن‌الگویی او را به اشتراک بگذارد، یاد می‌کند. بنابراین در اینجا، توضیح نخست‌زاده‌ی مردگان آسان است.

نخست‌زاده‌ی آفرینش به موضوعی تبدیل می‌شود که محققان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند و اینکه با آن چه باید کرد. اما حتی در این مورد، فکر می‌کنم دان آن را به خوبی توضیح می‌دهد، زیرا نخست‌زاده‌ی آفرینش به این معنی نیست که خدا مسیح را به عنوان نخست‌زاده به دنیا آورده است. یعنی اگر بخواهیم این موضوع را خیلی ادامه دهیم، کسی مدتی قبل از آن از خدا فرزنددی داشته است، نه از مریم، و عیسی را داشته است.

نخست‌زاده، همانطور که دان می‌گوید، باید به معنای تقدم بر خلقت باشد و نه فقط در خلقت. این امر با حرف ربط که دو آیه را به هم پیوند می‌دهد، نشان داده شده است. او نخست‌زاده‌ی تمام خلقت است زیرا در او همه چیز آفریده شد.

این همه چیز است، جهان، تمامیت موجودات آفریده شده. در اینجا تقدم یا برتری او مورد بحث است و نه آنچه آریوس مطرح می‌کرد. ضمناً، این جنجال آریوس همان چیزی است که بر تشکیل شورای نیقیه

درست در خارج از قسطنطنیه برای کلیسا تأثیر خواهد گذاشت تا در مورد مسائل مهم قرن چهارم در مورد تثلیث و آموزه تثلیث بحث و تصمیم‌گیری کند.

این موضوعی است که به چیزی تعلق دارد که ما آن را الهیات سیستماتیک یا مطالعه‌ی دکترین در محیط‌های دانشگاهی می‌نامیم. اما در اینجا شما را به آریوس برگردانم تا ثابت کنم این مسئله که در مسیحیت اهمیت زیادی داشته و همچنان در کلیساها و سیستم اعتقادی ما مطرح است، تا حدی ریشه در متنی دارد که ما با آن کار می‌کنیم، یعنی کولسیان ۱:۱۵. با ارائه نکته‌ای برای تفکر در ادامه‌ی بحث امیدوارم در حین لذت بردن از سرود مسیح، درک مفهوم نخست‌زاده‌ی خلقت و نخست‌زاده‌ی مردگان به اندازه‌ی کافی واضح باشد. اما در اتاق نشیمن خود، هر کجا که هستید، نشسته، ایستاده، گوش می‌دهید، در مورد این موضوع فکر کنید.

اگر کولسیان ۱ را خوانده بودید، چه کماتی می‌گفتید؟ من قبلاً به ابعاد شناختی یا فرآیندهای ذهنی در چگونگی رشد کلیسا برای مقاوم شدن در برابر آموزه‌های نادرست اشاره می‌کردم. چرا چنین سؤالی می‌پرسیم؟ خب، من این سؤال را می‌پرسم زیرا معمولاً وقتی آموزه‌های نادرست و مسائل مربوط به آموزه‌های نادرست را در متن امروز خود داریم، یکی از کارهایی که دوست داریم انجام دهیم این است که بگوییم، اوه، این باعث سردرگمی می‌شود. بیایید برویم و در مورد آن دعا کنیم.

بله، ما باید در مورد آن دعا کنیم و از خدا بخواهیم که به ما لطف کند تا با این مشکل کنار بیاییم. اما به یکی از نکات اصلی که پولس مطرح می‌کند نگاه کنید. او برای کلیسا دعا می‌کند و در دعای خود، چیزی را مطرح می‌کند که باید به خاطر آن از خدا تشکر کنیم.

در دعا، من دانش را به عنوان بخش اساسی آنچه آنها برای مبارزه با آموزه‌های نادرست نیاز دارند، برجسته کردم. و بنابراین، اگر شما شروع به بررسی دقیق این آزمون کنید و در مورد سؤالی که اینجا مطرح می‌کنم فکر کنید، چیزهایی مانند این را خواهید دید. شما شنیده‌اید و از شما انتظار می‌رود آنچه را که شنیده‌اید پردازش کنید و آن را بخشی از زندگی خود قرار دهید.

شما آن را شنیده‌اید و فهمیده‌اید تا بتوانید آنچه را که در حال رخ دادن است پردازش و درک کنید. آیه ۷، شما آموخته‌اید. و اگر یک مورد دیگر به لیست اضافه کنم، او دعا می‌کند که شما از دانش خدا پر شوید.

خب، وقتی با آموزه‌های غلط روبرو هستیم، کافی نیست که فقط بجنبیم و بگوییم، اوه، نه، این خیلی راحت است. فقط برو و دعا کن. ما به دانش نیاز داریم.

ما به درک حقیقت نیاز داریم. بگذارید فقط یک نکته دیگر را به شما پیشنهاد کنم تا در مورد آن فکر کنید. و اگر فرصتی داشته باشیم که به شما تکالیف بدهم، از آنجایی که شما این کار را در خانه انجام می‌دهید و چیزی برای نمره دادن به من نمی‌دهید، یکی از این تکالیف را به شما می‌دهم.

بیایید انجامش دهیم. مرز بین گذشته پیش از مسیحیت و وضعیت مسیحی چگونه در دعای آرزوی کلیسای کولسی نشان داده شده است؟ دعای پولس و هدف او از دعا را که نشان دهنده جدایی از زندگی پیش از مسیحیت و زندگی مسیحی است، چگونه می‌بینید؟ این تکلیف است. کاش می‌توانستم با شما تماس بگیرم تا تکلیف را تصحیح کنم.

آن یکی از جلسات مربوط به اساتید است. اگر اینطور فکر می‌کنید، باید بگوییم که این درست نیست. اکثر ما از نمره دادن خوشمان نمی‌آید.

ما تدریس را دوست داریم. اما به بحث فکر کنید. و همانطور که به آن فکر می‌کنید، به متن نگاه می‌کنید و به برخی از پویایی‌های درونی و کلماتی که مانند عشق، معشوق، حقیقت استفاده شده‌اند نگاه می‌کنید و اینکه چگونه همه این چیزها آنچه پولس سعی در انتقال آن دارد را شکل می‌دهند.

و سپس توجه شما را به آنچه پولس از سرود مسیح از آیه ۲۱ فصل ۱ بر آن بنا خواهد کرد، جلب می‌کنم. و او می‌نویسد، و شما که زمانی در ذهن خود بیگانه و دشمن بودید و اعمال بد انجام می‌دادید، اکنون او در بدن جسمانی خود با مرگ خود آشتی داده است، تا شما را مقدس و بی‌عیب و بی‌ملامت در حضور خود حاضر کند. اگر واقعاً در ایمان پایدار و ثابت قدم بمانید و از امید انجیلی که شنیده‌اید، که در تمام خلقت زیر آسمان اعلام شده است و من، پولس، خادم آن شده‌ام، تغییر مسیر ندهید. وای

نگاهی به آن بینداز. دوست دارم گذشته را به یاد بیاورم تا بتوانم قدر حال را بدانم. گاهی اوقات، دوست دارم گذشته را به یاد بیاورم تا تعهدم به آینده دوباره شعله‌ور شود.

و پولس دقیقاً همین کار را می‌کند و گذشته‌ی پیش از گرویدن به مسیحیت را در آیه‌ی ۲۱ تعریف می‌کند. او به من یادآوری می‌کند که از نظر روحانی، شما از خدا بیگانه بودید.

می‌دونی، از نظر طرز فکر، تو در ذهن خصمانه بودی. و توجه داشته باش که این مربوط به گذشته است. از نظر رفتار، تو با اعمال شیطانی زندگی می‌کنی.

توجه داشته باشید که این مربوط به گذشته است. این اتهامی به زمان حال نیست، بلکه یادآوری این است که آنها چه کسانی بودند، چگونه فکر می‌کردند و چگونه در گذشته رفتار می‌کردند. بنابراین، اگر این سخنرانی را در رایانه خود دنبال می‌کنید، بگذارید نکته‌ای را برای تأمل به شما ارائه دهم.

پولس از آیات ۲۳، ۲۱ تا ۲۳ به گذشته، حال و آینده اشاره می‌کند و برخی از چیزهایی را که من به شما نشان دادم یا در مورد گذشته‌شان به شما گفتم، به آنها یادآوری می‌کند و جایگاه فعلی آنها را محکم و روشن می‌کند تا بتواند آنها را به آینده هدایت کند. بنابراین، یادآوری گذشته، شما بیگانه بودید. شما فاصله گرفته بودید.

تو از خدا جدا شده بودی. هیچ جایگاه یا رابطه‌ای با خدا نداشتی. تا جایی که به جایگاه یا همکاری با خدا مربوط می‌شود، تو بیرون بودی.

از نظر طرز فکر و تفکر با وضوح و دانش حقیقت یا خرد معنوی، همانطور که او قبلاً در مورد صفر اشاره کرد، شما در ذهن خود نسبتاً خصمانه بودید. شما به چیزهای تاریک، چیزهای شیطانی، منفی‌ها، چیزهایی که جلال خدا را به ارمغان نمی‌آورند فکر می‌کنید.

و به همین دلیل، شیوه زندگی شما به عنوان اعمال شیطانی توصیف می‌شود. اما حدس بزنید چه اتفاقی افتاده است؟ پس به متن - آیه ۲۱ - نگاه کنید، شما که زمانی با ذهنی بیگانه و خصمانه، اعمال شیطانی انجام می‌دادید.

آیه ۲۲، اکنون، به کلمه اکنون، اکنون که اکنون حاضر است، نگاه کنید، شما در بدن جسمانی او به واسطه مرگ او آشتی داده شده‌اید. شما اکنون آشتی داده شده‌اید، نه به وسیله‌ای ارزان، بلکه به وسیله پسر محبوب خدا، که بهای تحمل هزینه آشتی در بدن خود بر روی صلیب را به وسیله مرگ پرداخت می‌کند، تا او این کار را انجام دهد، نه اینکه ما به رفتار گذشته، اعمال گذشته و طرز فکر گذشته خود افتخار کنیم.

نه، او این کار را به دلیلی انجام داد، بنابراین گفت تا در آیه ۲۲، ما مقدس و بی‌عیب و بی‌عیب و نقص در حضور او حاضر شویم. یوحنا رسول آیه ۲۳ می‌گوید، اگر واقعاً در ایمان ثابت و پایدار بمانید و تغییر مسیر ندهید. در آینده، او می‌خواهد به ما یادآوری کند که نباید از امید منحرف شویم زیرا این امید انجیلی است که شنیده‌ایم.

و این امیدی است که اعلام شده است؛ این انجیل در تمام خلقت و آسمان اعلام شده است. و پولس می‌گوید، اگر مطمئن نیستید، من خادم آن هستم. این بسیار مهم است که پولس به وضوح و به طور واضح برای کلیسا مشخص کند که ما از کجا آمده‌ایم، کجا هستیم و به کجا می‌رویم.

و اگر فقط این را درک کنیم، آنگاه در بحبوحه تعالیم نادرست، با کوچکترین چیزی تسلیم نمی‌شوید، یا تسلیم انواع فریب‌هایی که شما را منحرف می‌کنند، نمی‌شوید. همانطور که به فراتر از این متن نگاه می‌کنیم، توجه ما به آنچه در آیات ۲۴ تا ۲۵ اتفاق می‌افتد، جلب می‌شود. اکنون، من از رنجی که برای شما می‌کشم شادمانم، و در جسم خود، کاستی‌های زحمات مسیح را جبران می‌کنم.

به خاطر بدن او، یعنی کلیسا، که من بر اساس وظیفه‌ای که خدا برای شما به من داده است، خادم آن شده‌ام تا کلام خدا را به طور کامل بشناسانم. حال، اگر با دقت به آیه ۲۴ توجه کنید، باید به آن متن با دقت نگاه کنید و نگران این جمله باشید که می‌گوید: رنج من برای شما به خاطر جسم است، و من کاستی‌های زحمات مسیح را جبران می‌کنم. شاید به این فکر نکرده باشید، اما به این فکر کنید

پولس رنج‌های او را برجسته می‌کند. و همانطور که رنج‌های او را برجسته می‌کند، مأموریت او را نیز برجسته می‌کند. از آنجا، او ادامه می‌دهد و به پیام خود می‌پردازد.

بعضی از چیزهایی که او در مورد رنج‌هایش می‌گوید ممکن است باعث شود کمی سرتان را بخارانید، اما بیابید سعی کنیم آن را باز کنیم. شاد باشید زیرا رنج او به خاطر شماست. اما مشکل اینجاست

به نظر می‌رسد او می‌گوید رنج او کار مسیح را کامل خواهد کرد. آیا او به ما می‌گوید که آنچه مسیح انجام داده کافی نیست؟ در مورد آن فکر کنید. آیا واقعاً فکر می‌کنید پولس می‌گوید که کار مسیح ناقص است؟ یا فکر می‌کنید او می‌گوید که مسیح برای تکمیل کارش روی زمین به رنج کشیدن او نیاز داشت؟ آیا مشکلی در دیدگاه آخرالزمانی یهودیان نسبت به جهان و چگونگی پایان آن وجود دارد؟ ما نمی‌دانیم.

ما باید بدانیم که چه اتفاقی دارد می‌افتد. حال، اگر این مجموعه مطالعات کتاب مقدس را دنبال می‌کنید، ممکن است از تعداد مقالات، صفحات و استدلال‌هایی که در این مورد مطرح شده است، آگاه نباشید. پولس کیست که ادعا کند کار مسیح کامل نیست و او می‌آید تا آن را از طریق رنج خود تکمیل کند؟ پولس واقعاً کیست که می‌گوید بدون او، کار مسیح کامل نمی‌شود؟ مگر زمانی که چارچوب آخرالزمانی یهود را در مورد چگونگی وقوع رنج در پایان درک کنید.

اینکه نوعی رنج عظیم آغاز خواهد شد، و سپس درجاتی از رنج فرا خواهد رسید تا برخی از اتفاقاتی را که در نهایت رخ می‌دهند، در خود فرو ببرد یا به اتمام برساند. چیزهایی که در برخی از متون باستانی داریم. به نظر نمی‌رسد پولس بگوید آنچه مسیح انجام داده کافی نیست.

در واقع، به نظر می‌رسد او می‌گوید آنچه مسیح انجام داده بسیار مهم است و برای نجات ما کامل است. با این حال، با در نظر گرفتن آخرالزمان از منظر مبارزه او، به نظر می‌رسد که او در چارچوب آخرالزمانی یهودی می‌گوید که رنج مسیح چیزی را آغاز کرده است. رنج او به عنوان یک شخصیت مهم، به آن می‌افزاید تا برخی از چیزهایی را که آنها انتظار داشتند، تکمیل کند.

باز هم، من با جیمز دان، محقق بریتانیایی که قبلاً به او اشاره کردم، در مورد تمام چیزهایی که در تفسیرش می‌گوید موافق نیستم. اما در این مورد هم فکر می‌کنم؛ او واقعاً کار خوبی انجام می‌دهد. و بنابراین، من او را در اینجا وارد این گفتگو می‌کنم، اما ابتدا بیایید ببینیم یکی از همکارانم در کالج ویتون، داگلاس مو، در این مورد چه می‌گوید.

مو می‌نویسد که البته پولس نمی‌گوید که رنج رهایی‌بخش مسیح نیاز به هیچ مکملی دارد. پولس متقاعد شده است که مرگ مسیح بر روی صلیب به طور کامل و نهایی قادر به حل مشکل گناه انسان است. اینطور نیست که در رنج کفاره‌ای مسیح چیزی کم باشد، بلکه در مورد مصیبتی که مربوط به مسیح به عنوان مسیح موعود بود، همانطور که او در جهان اعلام کرد، چیزی کم است.

دان آنچه را که با مون مبهم به نظر می‌رسد، روشن خواهد کرد. این اندیشه آخرالزمانی که مجموع رنج‌های مقرر وجود دارد که باید تحمل شود تا به اصطلاح، وقایع نهایی تاریخ را رقم بزند، از پیش ترسیم شده است. با استناد به مکاشفه ۶ آیات ۹ تا ۱۱ و عزرا ۴، ۳۳ تا ۴۳، این اندیشه مطرح می‌شود که مرگ مسیح، به اصطلاح، اولین محرک را فعال کرده است، اما آن رنج‌ها هنوز کامل نشده‌اند.

در غیر این صورت، دومین و آخرین محرک نیز فعال می‌شد. به این دلیل که پولس خود را بازیگر اصلی در نمایش نهایی هدف آشتی‌جویانه‌ی خدا می‌دانست، می‌توانست رنج بسیار واقعی خود را نیز به عنوان تکمیل‌کننده‌ی رنج مسیح ببیند. مصلوب شدن با مسیح، که به واسطه‌ی آن جهان رستگار و دگرگون شد.

بنابراین وقتی پولس می‌گوید رنج او کار مسیح را به پایان می‌رساند، نمی‌گوید که کار مسیح کامل نشده است. بلکه به یک چارچوب آخرالزمانی اشاره دارد که می‌گوید آنچه مسیح آغاز کرده است، در کاری که او از نظر رنجی که متحمل می‌شود، در حال تکمیل است، نه اینکه دیدگاه کلیسا و آنچه در حال وقوع است - مأموریت پولس - را تأیید کند.

برای پولس، رنج او به رنج مسیح مرتبط است، و این چیزی است که به طور کامل از طریق کلام خدا آشکار می‌شود. و اگر کنجکاو باشیم، باید بگوییم که در اینجا رازی آشکار می‌شود. در کولسیان، پولس قرار نیست کل راز را فاش کند، اما به گفته‌ی ما، آن راز در مسیح است و کار مسیح است.

در افسسیان، فقط شما را به فکر فرو می‌برد و در مورد این مجموعه هیجان‌زده می‌کند، به دنبال کردن این مجموعه ادامه دهید زیرا در افسسیان، او واقعاً روشن می‌کند که راز چیست. او ابعاد این راز را از بسیاری جهات توضیح خواهد داد. اگرچه پولس از آنها دور است، اما به خاطر ایمان آنها به مسیح شادمان است.

همچنان که بحث فصل ۱ را به پایان می‌برم، اجازه دهید با توجه به خلاصه‌ای که قبلاً به شما ارائه دادم، افکار شما را به پیام مسیح نیز معطوف کنم. از نظر پولس، پیام اعلام، مسیح است. اگر تا این لحظه در کولسیان ۱ متوجه نشده‌اید، این مسیح است، مسیح است، مسیح است.

وظیفه اعلام او شامل هشدار و تعلیم مردم بود تا آنها بالغ شوند. او همچنین در پیام خود تصریح کرد که آنها باید درک کنند که رنج او به خاطر آنهاست و هزینه‌ای در پی دارد. خود مسیح رنج کشید.

و همانطور که او همه این کارها را انجام می‌دهد، سعی می‌کند پایه دانش آنها را تقویت کند تا بتوانند در برابر نفوذ و نفوذ معلمان دروغین مقاومت کنند. آیات ۲۴ تا ۲، آیه ۵، بیایید این نکته کلی را بیان کنیم تا وقتی در سخنرانی بعدی برمی‌گردیم، بتوانیم زمان بیشتری را صرف تلاش برای درک فصل ۲ رساله به کولسیان

کنیم. زیرا می‌خواهم بدانید، پولس شروع می‌کند، که چقدر برای شما و برای کسانی که در لائودیکه هستند و برای همه کسانی که مرا در رو ندیده‌اند، مبارزه می‌کنم.

دل‌هایشان دلگرم شود، در محبت به هم پیوند خورند تا به تمام غنای یقین کامل در فهم و شناخت راز خدا که مسیح است، دست یابند. در کیست که تمام گنجینه‌های حکمت و دانش نهفته است؟ این را می‌گویم تا کسی شما را با استدلال‌های احتمالی گمراه نکند.

زیرا اگرچه من در جسم غایب هستم، اما در روح با شما هستم و از دیدن رفتار نیک شما و استواری ایمانتان به مسیح عیسی شادمان می‌شوم. پولس در اینجا پایه و اساس کاملی را بنا می‌نهد. در فصل ۲، او به آموزه‌های نادرست می‌پردازد.

آنها چه هستند، چگونه باید با آن برخورد کنند، و عناصر آموزه‌های غلطی که باید به آنها پرداخته شود. به یاد داشته باشید که من در فصل ۱ به مفهوم خویشاوندی اشاره کردم. در طول این سخنرانی در مورد کولسیان، آن را در ذهن خود نگه دارید. وقتی به فصل ۳ می‌رسیم، او خویشاوندی خیالی خانواده خدا را به آنچه باید در خانواده بزرگ اتفاق بیفتد، پیوند می‌دهد.

برای کلیساهایی که در خانه‌های مردم تشکیل جلسه می‌دهند. و او در واقع در چهار فصل کوتاه، همانطور که داریم، آنها را تا حد امکان تشویق خواهد کرد. خدا می‌خواهد که آنها، چه زن و چه مرد، در کلیسا باشند.

بگذارید خلاصه‌ای سریع از آنچه تاکنون در فصل ۱ انجام داده‌ایم یا سعی در انجام آن داشته‌ایم، ارائه دهم. در فصل ۱، سلام‌ها را دیدیم. دعای پولس را مرور کردیم و نکات کلیدی دعای او را زیر خط کشیدیم. دیدیم که چگونه او با نشان دادن آنچه خدا در مسیح انجام داده است، قلب سپاسگزاری را شعله‌ور کرد.

و پیوند کاملی ایجاد کنید که نشان دهد در مسیح، ما از نور، از تاریکی به نور منتقل شده‌ایم. این تمام دلیلی است که باید در این ستایش و قلب سپاسگزاری فوران کنیم. و بنابراین، در سرود مسیح، او از مسیح، که خالق بود، یاد می‌کند.

او در همه بود. او کمال همه در همه است. و در مسیح، او به ما نشان می‌دهد که گذشته‌ی ما چگونه بوده است.

چگونه در مسیح با هم آشتی کرده‌ایم. در جسم او. از طریق مرگ او.

و به او در جهان امید داده شده است. از آنجا، او برمی‌گردد تا در مورد رنج، پیام و مأموریتی که به عنوان یک رسول ارائه می‌دهد صحبت کند. از اینجا به بعد، او به طور خاص به سراغ آموزه‌های نادرست خواهد رفت.

و امیدوارم با دنبال کردن این سخنرانی‌ها، متوجه شوید که مسیحیت هرگز آسان نبوده است. مسیحیان با چالش‌هایی روبرو می‌شوند. و مسیحیان تشویق می‌شوند.

و وقتی مسیحیان تشویق می‌شوند که با مسائل سخت در کلیسا دست و پنجه نرم کنند، این تشویق فقط با کوبیدن آنها بر سر مسائل سخت صورت نمی‌گیرد. بلکه به آنها یادآوری می‌شود که به چه کسی تبدیل شده‌اند و به چه چیزی امید دارند.

جایی که آنها به آنجا می‌روند، مبنایی است که ارزش تمام مبارزات، تمام چالش‌ها و تمام تلاش‌ها برای برآورده کردن آنچه مسیح برای کلیسایش می‌خواهد را دارد. وقتی برگردیم، از خواندن کولسیان لذت زیادی خواهیم برد. و امیدوارم تا اینجا چند نکته از این کتاب فوق‌العاده یاد گرفته باشید

متشکرم.

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان. این جلسه سوم است، سرود مسیح در کولسیان ۱:۱۵-۲:۵.